

Abnormal Delay in Giving the Audit Report and the Risk of Subsequent Drop in Stock Price¹

Midya Azizi¹, Ali Akbar Vakili², Ali Nazari Abarkouh³

¹Master's degree, Department of Accounting, Firuzkoh Branch, Islamic Azad University, Firuzkoh, Iran
(Corresponding author). Azizi.Midya@gmail.com

²Master's degree, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. aliakabr.vakili.acc@gmail.com

³Master's degree, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ali.nazari.abarkouh@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the relationship between abnormal delay in giving the audit reports and the risk of subsequent drop in stock price. The research is descriptive and it has been conducted by the correlation method. In terms of purpose, it is applied research and from the aspect of data collection, it is Ex-Post Facto which uses the available data base of Tehran Stock Exchange. The research statistical population includes all accepted corporations in Tehran Stock Exchange and for choosing a sample, 137 corporations were selected by systematic removal method during the years from 2012 to 2019. Then, the data was collected and analyzed by multivariate regression. For measuring the variable risk of drop in stock price, three indices of negative skewness of stock output, low to high fluctuation, and maximum sigma were used. Besides, two indices of the highest delay decile in giving the audit report (here more than 110 days) and the rest of the regression model of effective causes on the distance between the ending date of the financial period and the audit report date of abnormal delay were used. The research results reveal that there is a significant correlation between abnormal delay in giving audit reports and the risk of subsequent drop in stock price.

Keywords: Audit Report, Risk of Drop in Stock Price, Tehran Stock Exchange, Accounting.

تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسي و ريسک ريزش آتی قيمت سهام^۱

میدیا عزیزى^۱، علی اکبر وکیلی^۲، علی نظری ابرکوه^۳

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول). Azizi.Midya@gmail.com
^۲ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. aliakabr.vakili.acc@gmail.com
^۳ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ali.nazari.abarkouh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسي و ريسک ريزش آتی قيمت سهام است. نوع پژوهش توصیفی بوده که با شیوه همبستگی انجام شده است. این پژوهش از جهت هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از بُعد روش گردآوری داده‌ها، از نوع غیرتعاملی پس‌رویدادی است، که از داده‌های موجود در پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، برای انتخاب نمونه، ۱۳۷ شرکت به روش حذف سیستماتیک طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، انتخاب و اطلاعات آنها جمع‌آوری و با استفاده از رگرسیون چندگانه بررسی شدند. برای محاسبه متغیر ريسک ريزش قيمت سهام، از سه معیار چولگی منفی بازده سهام، نوسان پایین به بالا و سیگمای حداکثری استفاده شد. همچنین، دو معیار دهک بالاترین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسي (در اینجا بیش از ۱۱۰ روز) و باقیمانده مدل رگرسیونی عوامل موثر بر فاصله بین تاریخ پایان دوره مالی و تاریخ گزارش حسابرسي برای تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسي، بکار گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسي و ريسک ريزش آتی قيمت سهام وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: گزارش حسابرسي، ريسک ريزش قيمت سهام، بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری.

۱. مقدمه

به‌موقع بودن اطلاعات حسابداری به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی با تعیین میزان مربوط بودن اطلاعات موجود در گزارش‌های مالی (یوتمن و همکاران^۱، ۲۰۱۸، ص ۱۲۶)، شاخصی از این مطلب است که اطلاعات قابل اتکاء تا حد ممکن با سرعت به استفاده‌کنندگان منتقل گردد. اما بین به‌موقع بودن (به عنوان ویژگی‌های مربوط بودن) و قابلیت اتکاء، تناقض وجود دارد و حسابرسی مستقل راه‌حلی برای معمای لاینحل دولبه مربوط بودن و قابلیت اتکاء است. این در حالی است که حسابرسی مستقل، مستلزم صرف زمان است که بر تاریخ افشای صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد و زمانبر بودن فرآیند آن، دلیل اصلی تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی از سوی شرکت‌ها عنوان می‌شود (تیورل^۲، ۲۰۱۰، ص ۲۲۹). این در حالی است که صورت‌های مالی بدون حسابرسی و تأیید، قابل انتشار نیست (کارویود و همکاران^۳، ۲۰۲۰، ص ۷۱) که خود ناشی از وجود الزامات و قوانین است (عابدین و احمدزلوکی^۴، ۲۰۱۲، ص ۸۷۴). در ادبیات مالی، زمان لازم برای تکمیل فرآیند حسابرسی به عنوان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی تعریف می‌شود (عفیفی^۵، ۲۰۰۹، ص ۵۸) که به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در به‌موقع بودن گزارشگری مالی شناخته می‌شود (سولتانا و همکاران^۶، ۲۰۱۵، ص ۷۲). تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی به دلایل مختلفی از جمله عوامل مرتبط با حسابرس، عوامل مرتبط با شرکت یا عوامل مرتبط به راهبری روی می‌دهد (حبیب و همکاران^۷، ۲۰۱۹؛ دیورند^۸، ۲۰۱۹).

با توجه به حساس بودن اطلاعات نسبت به گذشت زمان، در صورتی که صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده (به عنوان قابل اطمینان‌ترین منبع و مرجع اطلاعات حسابداری که در دسترس استفاده‌کنندگان خارجی و به‌طور عمده سرمایه‌گذاران قرار دارد (الخطیب و مرجی^۹، ۲۰۱۲، ص ۱۳۴۲)) با تأخیر بیشتر در اختیار استفاده‌کنندگان قرار بگیرد، سودمندی آن جهت تصمیم‌گیری و قضاوت کم‌تر می‌شود. از این‌رو، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند گزارش حسابرسی پس از پایان سال

1. Uthman, Ajadi & Asipita
2. Türel
3. Kaaroud, Mohd Ariffin & Ahmad
4. Abidin, & Ahmad-Zaluki
5. Afify
6. Sultana, Singh, & Van der Zahn
7. Habib, Bhuiyan, Huang & Miah
8. Durand
9. Alkhatib & Marji

مالی در مدت کوتاهی منتشر شود (بویان و دی کاستا^۱، ۲۰۲۰، ص ۹۶)، زیرا هرگونه تأخیر در ارائه گزارش های مالی، به کاهش مربوط بودن صورت های مالی می انجامد (ویتورث و لمبرت^۲، ۲۰۱۴)، که می تواند باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار شود (بامبر و همکاران^۳، ۱۹۹۳)، بر عدم اطمینان در میان سهامداران مختلف بیافزاید (حیب و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۴) و بر قیمت سهام شرکت تأثیر منفی داشته باشد (آلفورد و همکاران^۴، ۱۹۹۴؛ کریشنن و یانگ^۵، ۲۰۰۹؛ لی و رامش^۶، ۲۰۰۹؛ بارتوف و همکاران^۷، ۲۰۱۱؛ بارتوف و کونیچیتچکی^۸، ۲۰۱۷؛ حاضری نیری و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین هرچه تأخیر در انتشار گزارش های مالی طولانی تر شود، اطلاعات بیشتری به نفع سهامداران عمده افشاء شده و شایعه های بیشتری در بازار سرمایه مطرح می گردد (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۴) و به صورت بالقوه از محتوای اطلاعات گزارش های حسابداری (واکنش بازار سهام) کاسته می شود (هاکانسون^۹، ۱۹۷۷؛ گیولی و پالمون^{۱۰}، ۱۹۸۲؛ کراس^{۱۱}، ۱۹۸۲؛ چمبر و پنمان^{۱۲}، ۱۹۸۴؛ کراس و شرودر^{۱۳}، ۱۹۸۴).

تأخیر غیرعادی در انتشار گزارش حسابرسی، باعث افزایش عدم اطمینان سرمایه گذاران و افزایش ناهمگنی در باورهای آن ها درباره چشم انداز آتی شرکت می شود. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی هرچه طولانی تر از حد عادی باشد، ریسک حسابرسی نیز بالاتر می رود (بلانکلی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۴، ص ۲۹) که نشان دهنده طولانی بودن مذاکرات بین صاحب کار و حسابرس (چان و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۶، ص ۱۴۹) به دلیل وجود مشکل است و می تواند این علامت را به بازار انتقال دهد

1. Bhuiyan & D'Costa
2. Whitworth & Lambert
3. Bamber, Bamber & Schoderbek
4. Alford, Jones & Zmijewski
5. Krishnan & Yang
6. Li & Ramesh
7. Bartov, DeFond & Konichitchki
8. Bartov & Konichitchki
9. Hakansson
10. Givoly & Palmon
11. Kross
12. Chambers & Penman
13. Kross & Schroeder
14. Blankley, Hurtt & MacGregor
15. Chan, Luo & Mo

که این صورت‌ها گمراه‌کننده هستند (لیو و همکاران^۱، ۲۰۲۰، ص ۸۰)، زیرا احتمالاً به دلیل محدودیت در قراردادهای و فرآیند حسابرسی و نیز به علت وجود تضاد با استانداردهای حسابداری، بخش قابل توجهی از نواقص صورت‌های مالی در این گزارش‌ها باقی مانده است (آستنا^۲، ۲۰۱۴، ص ۴۱). ورود این علامت منفی به بازار، به افزایش عدم تعانس در باورهای سرمایه‌گذاران دامن می‌زند که در کنار افزایش عدم اطمینان ناشی از تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و بالطبع صورت‌های مالی حسابرسی شده و احتمال واکنش شدیدتر آن‌ها به اخبار بد (نسبت به اخبار خوب)، احتمال افت شدید بازده سهام یا ریزش قیمت سهام در آینده به وجود خواهد آورد.

بر اساس مطالب بیان شده، پژوهش حاضر به بررسی این مسأله می‌پردازد که آیا تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، ارتباط معناداری با ریسک ریزش آتی قیمت سهام خواهد داشت یا خیر؟

۲. مبانی نظری پژوهش و توسعه فرضیه‌ها

۲-۱. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی

تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، از متغیرهای مورد علاقه در بسیاری از مطالعات بوده است، زیرا مدت زمان انجام حسابرسی صورت‌های مالی به طور قابل توجهی بر زمان انتشار گزارش‌های مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را می‌توان به عنوان فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی تعریف نمود (آشتون و همکاران^۳، ۱۹۸۷، ص ۲۷۵). تاریخ گزارش حسابرسی، تاریخی است که حسابرس به شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای پشتیبانی از اظهارنظر خود نسبت صورت‌های مالی دست یافته است، شامل شواهدی که تمام صورت‌های مالی بر مبنای آن تهیه و ارائه شده و مدیریت، مسئولیت این اظهارات مالی را برعهده گرفته است. دایر و مچونگ^۴ (۱۹۷۵) کل دوره تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را به تأخیر در تهیه صورت‌های مالی پیش از حسابرسی، تأخیر در کار حسابرسی و تأخیر در مذاکره درباره مسائل حسابداری پس از کار حسابرسی، تقسیم کرده است (باتوا و همکاران^۵، ۲۰۱۹، ص ۲۹۷). اما در نهایت، این نحوه برنامه‌ریزی حسابرسان در کار خود و سرعت و کارایی روند حسابرسی است که بر

1. Lu, Xuan & Zhang
2. Asthana
3. Ashton, Willingham & Elliot
4. Dyer & Mchugh
5. Baatwah, Salleh & Stewart

تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر می‌گذارد (خیوفی و خیوفی^۱، ۲۰۱۸، ص ۷۰۴).

تأخیر گزارش حسابرسی یکی از متغیرهای خروجی قابل مشاهده خارجی است که اجازه می‌دهد تا دیگران بهره‌وری (کارایی) حسابرسی را اندازه‌گیری نمایند (بمبر و همکاران، ۱۹۹۳). مطالعات پیشین، این مفهوم را تأیید می‌کنند که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی با میزان کار انجام‌شده در پروژه حسابرسی (نچل و پینی^۲، ۲۰۰۱؛ نچل و همکاران^۳، ۲۰۰۹؛ تانی و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴) و کارایی حسابرسی (نچل و شارما^۵، ۲۰۱۲؛ نچل و همکاران^۶، ۲۰۱۲؛ میترا و همکاران^۷، ۲۰۱۵) مرتبط است. با این حال، با اینکه پژوهش‌های اخیر بیان می‌دارند که تأخیر طولانی‌تر گزارش‌ها می‌تواند روایتگر تلاش حسابرسی بیشتر و کیفیت حسابرسی بالاتر باشد، اما می‌تواند لزوماً هم بازتاب‌دهنده اخبار خوبی نباشد و نشان‌دهنده وجود مشکل در طول جریان حسابرسی، مشکل در حل مسائل حساس حسابرسی یا پیچیدگی بیشتر در تهیه صورت‌های مالی باشد (هی و همکاران^۸، ۲۰۰۶، ص ۱۷۷)، به طوری که مذاکره با صاحب‌کار در مورد محتوای صورت‌های مالی و گزارش حسابرسی دلیل تأخیر باشد (سالتریو^۹، ۲۰۱۲، ص ۲۷۴).

۲-۲. ریسک ریزش قیمت سهام

ریزش قیمت سهام در پژوهش‌های مالی از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که وقوع آن به شدت به منافع سهامداران لطمه می‌زند، ثروت خصوصی سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد، اعتماد آن‌ها را به بازار سرمایه تضعیف می‌کند (هیو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲، ص ۱) و حتی ممکن است مانع از عملکرد عادی اقتصاد واقعی شود و متعاقباً توسعه پایدار اقتصاد ملی را نیز به خطر می‌اندازد. بر همین اساس، ریسک ریزش قیمت سهام به یک موضوع داغ در زمینه‌های اقتصاد کلان و مالی شرکت‌ها تبدیل شده است. ریزش قیمت سهام، به قیمت سهام یک شرکت یا یک شاخص بازار اشاره دارد که به طور ناگهانی و بدون اطلاعات اعلام‌شده، به طور قابل توجهی سقوط می‌کند و ریسک ریزش قیمت

1. Khoufi & Khoufi
2. Knechel & Payne
3. Knechel, Rouse & Schelleman
4. Tanyi, Raghunandan & Barua
5. Knechel & Sharma
6. Knechel, Sharma, & Sharma
7. Mitra, Song & Yang
8. Hay, Knechel & Wong
9. Salterio
10. Hu, Liu, Wang, Zhou & Zhu

سهام، به احتمال وقوع چنین رویدادی اشاره دارد (وانگ و همکاران^۱، ۲۰۲۲، ص ۳۵۶). ادبیات موجود در این زمینه، این اصطلاح را به عنوان چولگی منفی در توزیع بازده سهامی مشخص تعریف می‌کند (چن و همکاران^۲، ۲۰۰۱؛ کیم و ژانگ^۳، ۲۰۱۴؛ کالن و فانگ^۴، ۲۰۱۵). ریسک ریزش بیانگر بازده شدید منفی است و از این‌رو، پیامدهای مهمی را برای نظریه پرتفوی و قیمت‌گذاری دارایی‌ها و اختیار معامله به همراه دارد (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶، ص ۴۴۵). چند ویژگی کلیدی ریزش قیمت سهام عبارتند از:

(۱) **ناگهانی بودن:** سقوط بازار اغلب بدون اخبار قوی رخ می‌دهد؛

(۲) **عدم تقارن:** احتمال وقوع سقوط، بیشتر از یک جهش شدید است و بازده بازار سهام اغلب چولگی منفی و کشش بیش از حد را نشان می‌دهد؛

(۳) **سرایت:** سقوط قیمت سهام ممکن است در سراسر سهام گسترش یابد (فن و همکاران^۵، ۲۰۲۱، ص ۳۱۴).

ریزش قیمت سهام به سه دلیل روی می‌دهد:

دلیل اول: پنهان کردن اخبار بد توسط مدیریت منجر به انباشتگی پیوسته‌ای از ریسک‌های برآورد نشده، می‌شود که باعث ریزش نهایی قیمت سهام می‌گردد (نظریه انباشت اخبار بد). مدیران این عمل را به دلیل وجود انگیزه‌های پیشینه‌سازی جریان خدمات، حفظ موقعیت شغلی و کمینه‌سازی ریسک دادخواهی ناشی از افشای اخبار بد، انجام می‌دهند (کوتاری و همکاران^۶، ۲۰۰۹). اگر مدیران در نشر جریان اطلاعات منفی به بازار سهام موفق عمل کنند، بازده سهام باید دارای توزیع متقارنی باشد (هاتون و همکاران^۷، ۲۰۰۹؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹)، اما اگر مدیران اطلاعات منفی را انباشت کرده باشند، هنگامی که توده اخبار بد از حد آستانه^۸ عبور نماید، به یکباره وارد بازار شده و به افت شدید و منفی قیمت سهام منجر می‌شود (جین و مایرز^۹، ۲۰۰۶). طبق این دیدگاه،

1. Wang, Ho, Liu & Gu
2. Chen, Hong & Stein
3. Kim & Zhang
4. Callen & Fang
5. Fan, Zhou, An & Yang
6. Kothari & et al.
7. Hutton, Marcus & Tehranian

۸. نقطه‌ای که مدیر دیگر تمایلی به حفظ این اخبار ندارد یا نگهداری و عدم افشای آن برای مدت زمان طولانی‌تر، غیرممکن و پرهزینه (عدم توانایی) است. شایان ذکر است زمان رسیدن به این نقطه، برای مدیر قابل پیش‌بینی نیست.

9. Jin & Myers

ریسک ریزش قیمت سهام ناشی از آن است پس از عدم بهبود قابل توجه در شرایط عملیاتی و دشواری در پنهان کردن اخبار بد انباشت شده (کیوی و همکاران^۱، ۲۰۲۲، ص ۱) که همگان از اخبار بد شرکت آگاه شده و سرمایه‌گذاران شروع به تجدیدنظر در انتظارات خود در مورد وضعیت واقعی شرکت‌ها از مبانی اقتصادی می‌کنند (آندریو و همکاران^۲، ۲۰۲۱، ص ۴)، زیرا انباشت اخبار بد یکی از مظاهر عملکرد ضعیف و رشد یک شرکت می‌باشد (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۰، ص ۵۹۹۵).

دلیل دوم: تأثیرپذیری بیشتر قیمت سهام از اخبار بد نسبت به اخبار خوب (نظریه اثرات بازخورد نوسانات) (فرنچ و همکاران^۴، ۱۹۸۷؛ کمبل و هنشل^۵، ۱۹۹۲). در واقع، جابه‌جایی بزرگ قیمت می‌تواند باعث شود که سرمایه‌گذاران، نوسانات بازار را دوباره ارزیابی نمایند و صرف ریسک مورد نیاز را افزایش دهند؛ افزایش صرف ریسک، قیمت‌های تعادلی را کاهش می‌دهد که تأثیر اخبار بد را تقویت می‌کند، در حالی که تأثیر اخبار خوب را خنثی می‌کند که منجر به چولگی منفی و ریزش قیمت سهام می‌شود.

دلیل سوم: عدم تقارن اطلاعاتی باعث می‌شود سرمایه‌گذاران نتوانند به موقع قضاوت دقیقی در مورد ارزش شرکت داشته باشند و نظرات آن‌ها در مورد چشم‌انداز آتی شرکت ناهمگون باشد (نظریه عدم تجانس در باورهای سرمایه‌گذاران). در این مورد، اخبار بدی که پیش‌تر از دید سرمایه‌گذاران پنهان شده بود، ظاهر می‌شود و در نهایت، ریزش قیمت سهام روی می‌دهد (هانگ و استین^۶، ۲۰۰۳). این سه دلیل می‌توانند در یک چارچوب نظری برای اطلاع‌رسانی قیمت سهام ادغام شوند و به صورت هم‌زمان صورت پذیرند.

۲-۳. تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و ریسک ریزش آتی قیمت سهام

با وجود مجموعه‌ای از پژوهش‌ها بر روی عوامل مؤثر بر تأخیر گزارش حسابرسی، مطالعات کمی در مورد پیامدهای تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی وجود دارد. از آنجایی که حسابرسان مستقل، مسئول تأیید اعتبار صورت‌های مالی هستند، انتظار می‌رود که حسابرسان این تحریفات را شناسایی کرده و گزارش دهند، چرا که این ویژگی کیفیت حسابرسی است

1. Cui, Sun, Sensoy, Wang & Wang
2. Andreou, Andreou & Lambertides
3. Wang, Dai, Zhang & Ding
4. French, Schwert & Stambaugh
5. Cambell & Hentshe
6. Hong & Stein

دی آنجلو^۱، ۱۹۸۱). همچنین انتظار می‌رود که حسابرسان این کار را به موقع انجام دهند تا سرمایه‌گذاران بتوانند برای اتخاذ تصمیمات خود، بر اظهار نظر آن‌ها تکیه کنند (حیب و هوانگ، ۲۰۱۹، ص ۶۱۴)؛ این در حالی است که تعجیل در ارائه گزارش‌های مالی، با کاهش کیفیت سود و افزایش احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی بعدی همراه است (برایانت-کیوچر و همکاران^۲، ۲۰۱۳). با این حال، شناسایی تحریفات بااهمیت نیاز به صرف وقت و تلاش زیادی دارد که ممکن است انتشار گزارش حسابرسی را به تأخیر بیندازد. تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، ممکن است اغلب نشان‌دهنده مذاکرات طولانی مدت صاحب‌کار و حسابرس برای حل اختلاف نظرهای بااهمیت بین آن‌ها باشد. چنین اختلافاتی اغلب با کیفیت سود ضعیف ناشی از روش‌های حسابداری نامناسب مرتبط است (چان و همکاران، ۲۰۱۶)، که به کاهش کیفیت سود و ارزش‌گذاری آن از سوی بازار منجر می‌شود (آستنا^۳، ۲۰۱۴) و بر احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی بعدی می‌افزاید (بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴؛ چان و همکاران، ۲۰۱۶؛ صفری گرایلی، ۱۳۹۶) که به وجود فشار زمانی بر حسابرسان برای انجام حسابرسی در بازه زمانی اعلام شده از طرف رگلاتوری‌ها نسبت داده می‌شود. این مطالعات نشان می‌دهد که تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، یک علامت هشداردهنده است و نه یک نشانه از کیفیت حسابرسی خوب (حیب و هوانگ^۴، ۲۰۱۹، ص ۶۱۴) و شرکت با احتمال بالاتری، یک اظهار نظر حسابرسی تعدیل‌شده را در دوره بعدی از سوی حسابرس دریافت می‌کند (چان و همکاران، ۲۰۱۶). تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، به کیفیت سود پایین منجر شده و باعث می‌شود که ارزش‌گذاری بازار نسبت به سود گزارش شده، کمتر از ارزش واقعی آن باشد (آستنا، ۲۰۱۴). صرف نظر از اینکه تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی ناشی از عدم صلاحیت حسابرسان یا مشکل‌دار بودن صاحب‌کار باشد، پیامدهای تعامل طولانی مدت بین صاحب‌کار و حسابرس به‌طور مستقیم بر کیفیت حسابداری آینده اثرگذار است (بتی و همکاران^۵، ۲۰۰۱؛ ۲۰۱۱). علاوه بر این، تأخیر بیشتر در ارائه گزارش حسابرسی (و بالطبع آن صورت‌های مالی حسابرسی شده) با کاستن از مربوط بودن (ویتورث و لمبرت، ۲۰۱۴) و محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی (هاکانسون، ۱۹۷۷؛ گیولی و پالمون، ۱۹۸۲؛ کراس، ۱۹۸۲؛ چمبر و پنمان،

1. DeAngelo
2. Bryant-Kutcher Peng & Weber
3. Asthana
4. Habib & Huang
5. Beattie & et al.

۱۹۸۴؛ کراس و شرودر، (۱۹۸۴) و افزودن بر عدم تقارن اطلاعاتی در بازار (بامبر و همکاران، ۱۹۹۳) و احتمال افشای اطلاعات برای سهامداران عمده، شایعه و درز اطلاعات (اویوسو- آنسا، ۲۰۰۰، ص ۲۴۱)، موجبات عدم قطعیت در ارتباط با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند (اشتون و همکاران، ۱۹۸۷، ص ۲۷۵). به عبارت دیگر، طولانی شدن غیرعادی مدت زمان حسابرسی، اطلاعاتی را درخصوص ریسک مرتبط با کار حسابرسی به بازار مخابره می‌کند (صفری گرایلی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۷) و با واکنش منفی بازار نسبت به این علامت (آلفورد و همکاران، ۱۹۹۴؛ کریشنان و یانگ، ۲۰۰۹؛ لی و رامش، ۲۰۰۹؛ بارتوف و همکاران، ۲۰۱۱؛ بارتوف و کونیچیتچکی، ۲۰۱۷؛ حاضری نیری و همکاران، ۱۳۹۸)، عدم اطمینان ایجادشده موجبات ریزش قیمت سهام را ایجاد می‌کند. همچنین کارسلاو و کاپلان^۲ (۱۹۹۱) نشان می‌دهد زمانی که شرکت‌ها متحمل زیان می‌گردند، با احتمال بیشتری اعلان سود آن‌ها (به‌واسطه درخواست حسابرسان به‌منظور صرف زمان بیشتر برای برنامه‌ریزی پایان کار نسبت به حالت عادی) به تأخیر می‌افتد. اغلب، این بر کار حسابرسی اضافی دلالت دارد و در نتیجه، اگر حسابرسان به این باور برسند که تغییرات منفی گزارش شده در سود، به افزایش احتمال شکست مالی می‌انجامد، گزارش حسابرسی با تأخیر مواجه می‌شود. زیان گزارش شده می‌تواند با ریسک در ماندگی مالی همراه باشد که ممکن است بی‌درنگ حسابرسان را مجاب نماید تا آزمون‌های بیشتری برای تأیید تداوم فعالیت شرکت صورت دهد (حبیب و هوانگ، ۲۰۱۹، ص ۶۱۶) که این نیز خود با برخورداری از پتانسیل لازم برای افزایش عدم تجانس بین باورهای سرمایه‌گذاران به چشم‌انداز آینده شرکت، احتمال ریزش قیمت سهام را افزایش می‌دهد (هانگ و استین، ۲۰۰۳). همچنین، مخابره علامت گمراه‌کننده بودن صورت‌های مالی به بازار به‌واسطه تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و واکنش بیشتر سرمایه‌گذاران به اخبار منفی به علت عدم اطمینان بالا (مطابق با نظریه اثرات بازخورد نوسانات) - ناشی از تأخیر غیرعادی - بر احتمال وقوع پدیده ریزش قیمت سهام می‌افزاید. پژوهش‌های انجام‌شده توسط حبیب و هوانگ (۲۰۱۹)، لیو و همکاران (۲۰۲۰) و کیقبادی و فتحی (۱۳۹۸) مؤید تأثیر مثبت تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، بر احتمال ریسک ریزش آتی قیمت سهام هستند. بنابراین فرضیه پژوهش به شکل زیر بیان می‌گردد:

H1: تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی منجر به افزایش ریسک ریزش آتی قیمت سهام

می‌گردد.

1. Owusu-Ansah
2. Carslaw & Kaplan

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. همچنین پژوهش از لحاظ زمان، در نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری طبقه‌بندی می‌گردد. علاوه بر این، به لحاظ نوع مطالعه، میدانی - کتابخانه‌ای است و از لحاظ نوع استدلال برای نتیجه‌گیری، جزو پژوهش‌های استقرایی تلقی می‌گردد.

۱-۳. جامعه و نمونه آماری

قلمرو مکانی پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و جامعه آماری این پژوهش، کل شرکت‌های پذیرفته شده و فعال در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی پنج ساله از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. انتخاب نمونه آماری بر اساس حذف سیستماتیک (غربالگری) است. معیارهای اعمال شده در انتخاب جامعه نمونه به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) در طول سال‌های مالی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ در بورس حضور داشته‌اند.
- ۲) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.
- ۳) پایان سال مالی آن‌ها آخر اسفند هر سال بوده و در طول دوره فوق‌الذکر، تغییری در سال مالی نداشته‌اند.
- ۴) نماد شرکت بیش از ۶ ماه توقف معاملاتی نداشته باشد.

۵) در همه سال‌های مورد بررسی، در پایان سال مالی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد.

شایان ذکر است متغیرهای سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۹ برای سنجش متغیرهای پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، متناسب با شرایط ذکر شده، ۱۳۷ شرکت شناسایی گردید. کلیه اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز و نشریه‌های بورس جمع‌آوری گردید.

۲-۳. متغیرهای پژوهش

۱-۲-۳. متغیر مستقل

ABN_ARLi,t: تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی شرکت i در دوره t.

برای اندازه‌گیری آن، از دو معیار متفاوت استفاده می‌شود.

معیار اول: این معیار یک متغیر موهومی (مجازی یا دووجهی) است که برای محاسبه آن، ابتدا شرکت‌ها بر اساس میزان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (فاصله بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ

گزارش حسابرسی)، از کمترین به بیشترین مرتب‌سازی شده و سپس به ۱۰ قسمت مساوی تقسیم می‌شوند. در نهایت، شرکت‌هایی که در دهک آخر قرار گرفته باشند به عنوان شرکت‌های با تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی محسوب می‌گردند. بر این اساس، برای شرکت‌هایی که در دهک آخر هستند عدد یک و برای سایر موارد عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (چان و همکاران، ۲۰۱۶؛ حبیب و هوانگ، ۲۰۱۹).

معیار دوم: این معیار بر اساس تفاوت بین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی واقعی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی مورد انتظار که بر اساس مدل عوامل مؤثر بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی بدست می‌آید، محاسبه می‌شود که در آن، باقیمانده مدل زیر به عنوان تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در نظر گرفته می‌شود^۱ (آستنا، ۲۰۱۴؛ بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴؛ مهدوی و دهقانی، ۱۳۹۵؛ رحمانی و بخردی نسب، ۱۳۹۶):

$$\text{LADEALEY}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{LADEALEY}_{i,t-1} + \beta_2 \text{FCOMPLEXITY}_{i,t} + \beta_3 \text{FSIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{CURR2TAI}_{i,t} + \beta_5 \text{LEVI}_{i,t} + \beta_6 \text{DLOSS}_{i,t} + \beta_7 \text{DISTRESS}_{i,t} + \beta_8 \text{CURRATIO}_{i,t} + \beta_9 \text{ROAI}_{i,t} + \beta_{10} \text{OWNCI}_{i,t} + \beta_{11} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{12} \text{EGROWTH}_{i,t} + \beta_{13} \text{INVRATIO}_{i,t} + \beta_{14} \text{DFOREIGNOPS}_{i,t} + \beta_{15} \text{DCONTINGENCY}_{i,t} + \beta_{16} \text{ASIZE}_{i,t} + \beta_{17} \text{DEXPERT}_{i,t} + \beta_{18} \text{DTENURE}_{i,t} + \beta_{19} \text{DSWITCH}_{i,t} + \beta_{20} \text{DOPINION}_{i,t} + \beta_{21} \text{DCITYDUM}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در آن:

LADEALEY_{i,t} - (تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با لگاریتم

طبیعی فاصله بین تاریخ پایان دوره مالی و تاریخ گزارش حسابرسی.

FCOMPLEXITY_{i,t} - (پیچیدگی صاحب‌کار *i* در دوره *t* (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر

شرکت دارای واحد فرعی باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

FSIZE_{i,t} - (اندازه شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

LEVI_{i,t} - (اهرم مالی شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

DLOSS_{i,t} - (زیان شرکت *i* در دوره *t* (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر شرکت در پایان دوره

مالی زیان گزارش نماید، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DISTRESS_{i,t} - (درماندگی مالی شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با نمره *Z* آلتمن (۱۹۶۸) که از

طریق فرمول زیر برای هر شرکت اندازه‌گیری می‌شود:

۱. مقادیر باقیمانده مثبت (منفی) به معنای تأخیر غیرعادی بالا (پایین) است.

$$ZSCORE = 3.3 (EBIT/TA) + 1.0 (S/TA) + 1.4 (RE/TA) + 1.2 (WC/TA) + 0.6 ([SP*SO]/TL)$$

که در آن:

EBIT: سود قبل از بهره و مالیات

TA: کل دارایی‌ها

S: فروش خالص

RE: سود انباشته

WC: سرمایه در گردش (دارایی‌های جاری - بدهی‌های جاری)

SP*SO: قیمت بازار سهام انتشار یافته

TL: کل بدهی‌ها

CURRATIO_{i,t} (نسبت جاری شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری.

ROA_{i,t} (بازده دارایی شرکت *i* در پایان دوره مالی *t*): برابر است با نسبت سود خالص قبل از مالیات به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

OWNC_{i,t} (تمرکز مالکیت شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با جمع درصد سهام تحت اختیار سهامدارانی که بیش از ۵٪ سهام را در اختیار دارند.

RESTATE_{i,t} (تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با یک اگر صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

EGROWTH_{i,t} (رشد سود شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با نسبت تغییرات سود دوره *t* به دوره *t-1* بر سود دوره *t*.

INVRATIO_{i,t} (نسبت موجودی کالای شرکت *i* در دوره *t*): برابر است با نسبت موجودی به کل دارایی‌ها.

DFOREIGNOPS_{i,t} (عملیات خارجی شرکت *i* در دوره *t* (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر شرکت دارای عملیات خارجی باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DCONTINGENCY_{i,t} (بدهی احتمالی شرکت *i* در دوره *t* (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر شرکت دارای بدهی احتمالی باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

BIG2_{i,t} (اندازه حسابرس شرکت *i* در دوره *t* (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر سازمان حسابرسی و مؤسسه مفید راهبر، مسئولیت حسابرسی صورت‌های مالی را عهده‌دار باشند، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DEXPERT_{i,t} (تخصص حسابرس شرکت **i** در دوره **t** (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر سهم مؤسسه حسابرسی از بازار (نسبت مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص بر مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران در این صنعت) بیش از مقدار $[(1/2) \times \text{تعداد شرکت‌های موجود} / 1]$ باشد، در غیر این صورت، برابر است با صفر.

DTENUREE_{i,t} (دوره تصدی بالای حسابرس در شرکت **i** در دوره **t** (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر تعداد دوره‌هایی که حسابرس به صاحب‌کاری خدمات ارائه نموده، بالای میانه نمونه باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DSWITCH_{i,t} (تغییر حسابرس شرکت **i** در دوره **t** (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر حسابرس نسبت به دوره قبل تغییر کرده باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DOPINION_{i,t} (اظهارنظر حسابرس شرکت **i** در دوره **t** (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر اظهارنظر حسابرس مستقل در دوره قبل تعدیل شده باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.

DLOCAL_{i,t} (محلی بودن حسابرس شرکت **i** در دوره **t** (متغیر مجازی)): برابر است با یک اگر دفتر مرکزی مؤسسه حسابرسی در همان استانی واقع شده باشد که دفتر مرکزی صاحب‌کار واقع است، در غیر این صورت برابر است با صفر.

۲-۲-۳. متغیر وابسته

Crash_{i,t}: ریسک ریزش قیمت سهام شرکت **i** در دوره **t**.

برای اندازه‌گیری ریسک ریزش قیمت سهام، از چهار معیار متفاوت استفاده می‌شود.

معیار اول: چولگی منفی بازده سهام

هرچه مقدار چولگی منفی بازده سهام بیشتر باشد، آن شرکت در معرض ریزش قیمت سهام بیشتری خواهد بود. معیار چولگی منفی بر مبنای بازده ماهانه خاص شرکت به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$W_{i,j} = \ln(1 + \varepsilon_{j,t})$$

که در آن:

W_{j,t}: بازده خاص شرکت **j** در ماه **t** طی سال مالی.

ε_{i,t}: بازده باقیمانده سهام شرکت **i** در ماه **t** که از مدل رگرسیونی^۱ زیر محاسبه می‌گردد:

۱. از طریق روش رگرسیون چندمتغیره و شیوه داده‌های ترکیبی در سطح هر سال شرکت برآورد می‌شود.

$$r_{i,j} = \beta_0 + \beta_1 r_{m,j-2} + \beta_2 r_{m,jvc} + \beta_3 r_{m,j} + \beta_4 r_{m,j+1} + \beta_5 r_{m,j+2} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

ri,t: بازده سهام شرکت در ماه i در ماه t.

rm,t: بازده شاخص کل صنعت^۱ در ماه i در ماه t.

و در آخر، برای محاسبه ریسک ریزش قیمت سهام از طریق معیار چولگی منفی بازده سهام، از رابطه زیر استفاده می‌گردد:

$$NCSKEW_{i,t} = \frac{n(n-1)^{3/2} \sum (r_{fs,jt} - \bar{r}_{fs,j})}{(n-1)(n-2) [(\sum r_{fs,jt} - r_{fs,jt}^2)^{3/2}]}$$

که در آن:

NCSKEWj,t: چولگی بازده ماهانه سهام ز طی سال t.

rj,t: بازده خاص ماهانه شرکت ز طی سال t.

n: تعداد ماه‌هایی که بازده آن محاسبه شده است.

معیار دوم: نوسان پایین به بالا

برای اندازه‌گیری این معیار، ابتدا میانگین بازده خاص شرکت‌ها محاسبه گردیده و سپس داده‌های آن به دو دسته کمتر از میانگین و بیشتر از میانگین، تفکیک شده و انحراف معیار هر کدام محاسبه می‌شود، سپس ریسک ریزش به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$DUVOL_{i,t} = \ln \left(\frac{[(n_u - 1) \sum_{down} W_{jt}^2]}{[(n_d - 1) \sum_{up} W_{jt}^2]} \right)$$

که در آن:

down: انحراف معیار مشاهدات کوچک‌تر از میانگین.

up: انحراف معیار مشاهدات بزرگ‌تر از میانگین.

معیار سوم: سیگمای حداکثری

این معیار، ایجاد مقیاسی کمی و پیوسته در راستای ریسک ریزش قیمت سهام است. همچنین سیگمای حداکثری بازده‌های پرت، با توجه به انحراف معیار یک شرکت خاص تعریف می‌شود. برای محاسبه این متغیر، از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$Extra_Sigma_{i,t} = -\text{Min} \left(\frac{w - \hat{w}}{\partial w} \right)$$

۱. نسبت تفاوت بازده شاخص کل صنعت در انتهای ماه و ابتدای ماه بر بازده شاخص کل صنعت در ابتدای ماه.

که در آن:

\bar{w} : میانگین بازده ماهانه خاص شرکت.

σ_w : انحراف معیار بازده ماهانه خاص شرکت.

۳-۲-۳. متغیرهای کنترلی

$TURN_{i,t}$ (عدم تجانس در عقاید سرمایه‌گذاران شرکت i در پایان دوره t): عبارت است از متوسط گردش تصادفی سهام در سال مالی جاری منهای متوسط گردش تصادفی سهام در سال گذشته. متوسط گردش تصادفی سهام، از طریق تقسیم حجم معاملات ماهانه سهام بر مجموع تعداد سهام منتشر شده طی ماه بدست می‌آید.

$SDRET_{i,t}$ (انحراف معیار بازده ماهانه i در پایان دوره t): برابر است با انحراف معیار بازده ماهانه شرکت در طول سال مالی.

$RETURN_{i,t}$ (بازده سالانه i در پایان دوره t): برابر است با میانگین بازده ماهانه شرکت در طول سال مالی.

$FSIZE_{i,t}$ (اندازه شرکت i در پایان دوره t): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

$LEV_{i,t}$ (نسبت اهرم مالی شرکت i در پایان دوره t): برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

$AGE_{i,t}$ (سن شرکت i در پایان دوره t): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است.

$MB_{i,t}$ (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در پایان دوره t): از طریق تقسیم حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت، اندازه‌گیری می‌شود.

$|REMi,t|$ (مدیریت سود مبتنی بر دستکاری فعالیت‌های واقعی شرکت i در پایان دوره t): مدیریت واقعی سود، از حاصل جمع مدیریت واقعی سود بر مبنای دستکاری هزینه‌های تولید و دستکاری هزینه فروش، عمومی، اداری و تشکیلاتی و دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی، به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$RM_{i,t} = [AB_Prod_{i,t}] + [AB_Disce_{i,t} \times (-1)] + [AB_CFO_{i,t} \times (-1)]$$

که در آن:

AB_Prodi,t (مدیریت واقعی سود مبتنی بر دستکاری هزینه‌های تولید شرکت i در پایان دوره t): برابر

است با سطح غیرعادی هزینه‌های تولید که از طریق مدل رگرسیونی زیر برآورد می‌شود:

$$\frac{\text{Prod}_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta S_{i,t-1}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \kappa_{i,t}$$

AB_DiscEi,t (مدیریت واقعی سود مثبتی بر هزینه‌های اختیاری شرکت *i* در پایان دوره *t*): برابر است

با سطح غیرعادی هزینه‌های فروش، عمومی، اداری و تشکیلاتی شرکت که از طریق مدل رگرسیونی زیر در سطح صنعت برآورد می‌شود:

$$\frac{\text{DiscE}_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t-1}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \omega_{i,t}$$

AB_CFOi,t (مدیریت واقعی سود مثبتی بر جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت *i*

در پایان دوره *t*): برابر است با سطح غیرعادی جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی که از طریق مدل رگرسیونی زیر برآورد می‌شود:

$$\frac{\text{CFO}_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \lambda_{i,t}$$

که در این مدل‌ها:

Prodi,t: بهای تمام شده کالای فروش رفته + اختلاف موجودی پایان و اول دوره شرکت *i* در دوره *t*.

DiscEi,t: مجموع هزینه‌های فروش، عمومی، اداری و تشکیلاتی شرکت *i* در دوره *t*.

CFOi,t: مجموع جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت *i* در دوره *t*.

TAi,t-1: کل دارایی‌های شرکت *i* در ابتدای دوره *t*.

Si,t: خالص فروش ریالی شرکت *i* در دوره *t*.

Si,t-1: خالص فروش ریالی شرکت *i* در دوره *t-1*.

ΔSi,t: تغییرات در خالص فروش ریالی شرکت *i* در دوره *t* نسبت به دوره *t-1*.

ΔSi,t-1: تغییرات در خالص فروش ریالی شرکت *i* در دوره *t-1* نسبت به دوره *t-2*.

κi,t: سطح غیرعادی هزینه‌های تولید شرکت *i* در دوره *t*.

ωi,t: سطح غیرعادی هزینه‌های فروش، عمومی، اداری و تشکیلاتی شرکت *i* در دوره *t*.

λi,t: سطح غیرعادی جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت *i* در دوره *t*.

|DACi,t| (مدیریت سود مثبتی بر دستکاری اقلام تعهدی اختیاری شرکت *i* در پایان دوره مالی *t*): از

طریق باقیمانده‌های رگرسیونی مدل جونز^۱ (۱۹۹۱)، به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$\frac{ACC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \sigma_{i,t}$$

که در آن:

- کل اقلام تعهدی شرکت i در دوره t (سود عملیاتی - جریان نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی).
- $PPE_{i,t}$: ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در دوره t .
- $\sigma_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری شرکت i در دوره t .
- $OWN_{i,t}$ (تمرکز مالکیت شرکت i در دوره t): برابر است با جمع درصد سهام تحت اختیار سهامدارانی که بیش از ۵٪ سهام را در اختیار دارند.
- $BSIZE_{i,t}$ (اندازه هیأت مدیره i در پایان دوره t): برابر است با تعداد اعضای هیأت مدیره.
- $BIND_{i,t}$ (استقلال هیأت مدیره i در پایان دوره t): برابر است با نسبت تعداد اعضای غیر موظف حاضر در هیأت مدیره به تعداد کل اعضای هیأت مدیره.
- $Daul_{i,t}$ (دوگانگی وظیفه i در پایان دوره t): برابر است با یک اگر مدیرعامل شرکت به صورت هم‌زمان رئیس یا نائبرئیس هیأت مدیره هم باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.
- $AUDC_{i,t}$ (کمیت حسابرسی i در پایان دوره t): برابر است با یک اگر شرکت دارای کمیته حسابرسی باشد، در غیر این صورت برابر است با صفر.
- $BIG2_{i,t}$ (اندازه حسابرسی i در پایان دوره t): برابر است با یک اگر سازمان حسابرسی و مؤسسه مفید راهبر، مسئولیت حسابرسی صورت‌های مالی را عهده‌دار باشند، در غیر این صورت برابر است با صفر.

۳-۳. مدل پژوهش

پس از محاسبه متغیرهای اساسی، فرضیه‌ها را از مدل رگرسیونی که در زیر ارائه شده است، آزمون می‌نمایم:

$$Crash_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 Crash_{i,t-1} + \gamma_2 ABN_ARL_{i,t-1} + \gamma_4 TURN_{i,t-1} + \gamma_4 SDRET_{i,t-1} + \gamma_5 RET_{i,t-1} + \gamma_6 FSIZE_{i,t-1} + \gamma_7 LEV_{i,t-1} + \gamma_8 MBI_{i,t-1} + \gamma_9 |REMi,t-1| + \gamma_{10} DAC_{i,t-1} + \gamma_{11} WNC_{i,t-1} + \gamma_{12} BSize_{i,t-1} + \gamma_{13} BIND_{i,t-1} + \gamma_{14} Dual_{i,t-1} + \gamma_{15} ASIZE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در آن: $\epsilon_{i,t}$: جملات باقیمانده رگرسیون است.

۱. سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۱ کلیه شرکت‌های بوردی را ملزم نمود که تا تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ کمیته حسابرسی خود را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام نمایند. با این حال، پس از این الزام، تمام شرکت‌ها سریعاً موفق به تشکیل کمیته حسابرسی نشدند و فرآیند تشکیل آن گاهاً سال‌ها به طول انجامیده است.

۴. بررسی نتایج آماری و یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

در روش‌های توصیفی، تلاش بر آن است تا با ارائه آماره‌های توصیفی و استفاده از ابزارهای آن نظیر شاخص‌های مرکزی، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شود تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است، نشان می‌دهد.

جدول ۱۹- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
NCSKEWt+1	۱۰۹۶	۰/۰۴۰	۰/۰۶۲	۲/۴۲۸	-۱/۸۶۱	۰/۶۳۶
DUVOLt+1	۱۰۹۶	-۰/۰۵۸	-۰/۰۵۹	۲/۶۰۷	-۱/۸۰۶	۰/۵۴۸
Extra_Sigmat+1	۱۰۹۶	۱/۶۸۳	۱/۶۵۸	۲/۸۸۵	۰/۷۶۸	۰/۳۴۲
ABN_ARL1	۱۰۹۶	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۷۰
ABN_ARL2	۱۰۹۶	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۶	۰/۸۸۷	-۱/۰۰۹	۰/۲۲۷
TURN	۱۰۹۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۱/۰۲۲	-۰/۹۵۸	۰/۰۸۴
SDRET	۱۰۹۶	۰/۱۵۵	۰/۱۴۰	۰/۹۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۹۰
RET	۱۰۹۶	۰/۰۵۴	۰/۰۳۶	۰/۳۱۳	-۰/۰۷۷	۰/۰۶۹
FSIZE	۱۰۹۶	۱۴/۴۸۲	۱۴/۲۴۰	۲۰/۱۸۳	۱۰/۴۹۲	۱/۵۳۰
LEV	۱۰۹۶	-۰/۵۷۱	-۰/۵۷۶	۱/۲۷۴	-۰/۰۴۷	۰/۱۹۲
AGE	۱۰۹۶	۲/۸۹۴	۲/۸۹۰	۳/۹۷۰	۱/۰۹۹	۰/۴۰۸
MB	۱۰۹۶	۲/۱۶۴	۱/۵۸۰	۲۰/۹۷۶	-۰/۵۸۴	۱/۷۵۷
REM	۱۰۹۶	۰/۱۸۵	۰/۱۲۹	۱/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱
DAC	۱۰۹۶	۰/۱۰۰	۰/۰۶۸	۰/۷۷۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۹
OWNC	۱۰۹۶	۰/۶۹۱	۰/۷۴۲	۰/۹۸۷	-۰/۰۶۵	۰/۱۹۷
BSIZE	۱۰۹۶	۵/۰۲۱	۵/۰۰۰	۷/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۲۱۰
BIND	۱۰۹۶	۰/۶۷۵	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲
DUAL	۱۰۹۶	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۷
AUDC	۱۰۹۶	۰/۸۴۲	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۶۵
BIG2	۱۰۹۶	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶

۲-۴. آمار استنباطی

پیش از آزمون فرضیه‌ها و برآورد مدل، ابتدا به منظور گزینش یکی از روش‌های داده‌های ترکیبی^۱ یا تابلویی^۲، از آزمون قابلیت ادغام (چاو) استفاده شده است. مطابق با نتایج در جدول (۲)، آزمون آماره چاو نشان می‌دهد سطح معناداری آن برای تمامی مدل‌ها ۰/۰۰۰ (بیشتر از ۰/۰۵) است که نشان‌دهنده برتری استفاده از روش داده‌های ترکیبی در برابر روش تابلویی می‌باشد.

جدول ۲۰- انتخاب داده‌های ترکیبی در برابر داده‌های تابلویی

مدل	آزمون F لیمر	
	مقدار آماره	درجه آزادی
۱-۱	۰/۹۳۶	۹۴۳، ۱۳۶
۲-۱	۰/۹۲۸	۹۴۳، ۱۳۶
۲-۱	۱/۰۳۲	۹۴۳، ۱۳۶
۲-۲	۱/۰۳۲	۹۴۳، ۱۳۶
۳-۱	۰/۸۳۶	۹۴۳، ۱۳۶
۳-۲	۰/۸۳۰	۹۴۳، ۱۳۶

به منظور رفع مشکل ناهمسانی واریانس احتمالی در برآورد رگرسیون، از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۳ استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳) قابل مشاهده است. برای رفع مشکل هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی، آزمون هم‌خطی با استفاده از عامل تورم واریانس^۴ مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به اینکه مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی در همه مدل‌های برآوردی، کم‌تر از مقدار ۵ است، لذا، هم‌خطی بین آن‌ها وجود ندارد. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر، از آماره دورین واتسون استفاده گردید. مقدار این آماره برای مدل، بین ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ است که این عدد نشان می‌دهد خطاها مستقل از یکدیگر هستند و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. همچنین نظر به اینکه سطح معناداری آماره F برابر با ۰/۰۰۰ (کم‌تر از ۰/۰۵) است، بنابراین، می‌توان گفت متغیرهای مستقل و کنترلی، توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند و رگرسیون در سطح اطمینان

1. Pool
2. Panel
3. Generalized Least Squares (GLS)
4. Variance Inflation Factor (VIF)

۹۹٪ معنادار است.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشان می‌دهد سطح و معناداری ضریب متغیر تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در مدل (۱-۱) برابر با ۰/۱۰۳- و احتمال آماره t ۰/۱۲۷، در مدل (۲-۲) برابر با ۰/۰۱۲- و احتمال آماره t ۰/۸۷۲، در مدل (۲-۱) برابر با ۰/۰۴۶- و احتمال آماره t ۰/۴۱۲، در مدل (۲-۲) برابر با ۰/۰۰۶- و احتمال آماره t ۰/۹۲۰، در مدل (۳-۱) برابر با ۰/۰۶۴- و احتمال آماره t ۰/۰۷۴ و در مدل (۳-۲) برابر با ۰/۰۱۳ و احتمال آماره t ۰/۷۳۰ می‌باشد که با توجه به بیشتر بودن احتمال آماره t از سطح خطای مورد پذیرش ۰/۰۵، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و ریسک ریزش آتی قیمت سهام، مورد تأیید واقع نشد.

یافته‌های حاصل از تخمین مدل رگرسیونی، حاکی از آن است که سن شرکت از ارتباط مثبت و معناداری با ریسک ریزش آتی قیمت سهام با معیار چولگی منفی بازده سهام، برخوردار است. همچنین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و دوگانگی وظیفه مدیرعامل نیز دارای رابطه منفی و معنادار با ریزش آتی قیمت سهام با معیار نوسان پایین به بالا می‌باشد. علاوه بر این، اهرم مالی از یک ارتباط مثبت و سن شرکت و دوگانگی وظیفه مدیرعامل از یک ارتباط منفی با ریسک ریزش آتی قیمت سهام با سیگمای حداکثری، برخوردارند.

۵. نتیجه گیری

صورت‌های مالی حسابرسی شده، یک منبع اطلاعاتی بااهمیت برای سرمایه‌گذاران به‌منظور ارزیابی اعتبار گزارشگری مالی محسوب می‌شود. حساب‌رسان مستقل، نقش اساسی در افزایش شفافیت گزارشگری مالی و ایجاد اعتماد در بازار سرمایه ایفا می‌نماید. انتشار به موقع صورت‌های مالی حسابرسی شده، به سرمایه‌گذاران در جهت تخصیص منابع به بهترین شیوه، کمک می‌کند. هرگونه تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران می‌شود و هرچه این تأخیر غیرعادی‌تر باشد، عدم تقارن بیشتر شده و باعث ایجاد عدم اطمینان در میان سرمایه‌گذاران می‌گردد. بنابراین، پیش‌بینی می‌شد که تأخیر غیرعادی به عنوان یک علامت هشداردهنده از احتمال وجود مشکلات بیشتر در شرکت، با ریسک ریزش آتی قیمت سهام در ارتباط باشد. در این پژوهش سعی شد تا با دو معیار دهک بالاترین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی و باقیمانده مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر فاصله بین تاریخ پایان دوره مالی و تاریخ گزارش حسابرسی، برای تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و سه معیار چولگی منفی، نوسان بالا به پایین و سیگمای حداکثری، برای ریسک ریزش آتی قیمت سهام، ارتباط این دو متغیر از طریق مدل رگرسیونی آزمون گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی با ریسک ریزش آتی قیمت سهام، هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. این نتیجه می‌تواند به این معنا باشد که آنچه برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان بیشتر از زمان ارائه گزارش حسابرسی دارای اهمیت است، نتایج گزارش شده در صورت‌های مالی حسابرسی است و تأخیر غیرعادی نسبت به سایر شرکت‌ها و تأخیر غیرعادی مرتبط با عوامل شرکتی و مؤسسه حسابرسی، نمی‌تواند به عاملی برای ریسک ریزش آتی قیمت سهام تبدیل شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج پیشین حبیب و هوانگ (۲۰۱۹)، لیو و همکاران (۲۰۲۰) و کیقبادی و فتیحی (۱۳۹۸) در تضاد است.

۶. پیشنهادات

بر اساس نتایج حاصل از فرضیه پژوهش، به سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود که قبل از سرمایه‌گذاری و یا اعطای اعتبار به این شرکت‌ها، به تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی توجه بیشتری داشته باشند، زیرا ممکن است تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، نشان‌دهنده وجود مذاکره طولانی مدت بین صاحب‌کاران و حساب‌رسان باشد که ناشی از نگرانی در مورد کیفیت سود شرکت صاحب‌کار باشد. علاوه بر این، در ادامه به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا ارتباط تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و ریسک ورشکستگی آتی را مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- حاضری نیری، هاتف؛ رحیمزاده، فرزاد؛ شکوهی فرد؛ سیامک (۱۳۹۸). بررسی اثر تأخیر گزارش حسابرسی بر نوسانات قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۹(۲)، ص ۸۱-۹۸.
- خدادادی، ولی؛ ویسی، سجاده؛ نیک‌کار، جواد (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳۰، ص ۷۰-۸۷.
- رحمانی، حسام؛ بخردی نسب، وحید (۱۳۹۶). تأثیر تاخیرات عادی و غیر عادی در روند انتشار و ارائه گزارش حسابرس بر استقلال حسابرس. *دانش حسابرسی*، ۶۷، ص ۲۶۵-۲۸۶.
- صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۶). تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی: نقش تعدیلی وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرس. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۲۳، ص ۱۵۵-۱۶۸.
- کیبادی، امیررضا؛ فتحی، سمیه (۱۳۹۸). تأثیر تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل‌های داخلی و کیفیت حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام. *دانش حسابرسی*، ۷۵، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- مهدوی، غلامحسین؛ دهقانی، علی اصغر (۱۳۹۵). نقش میانجی‌گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت. *دانش حسابداری*، ۲۶، ص ۱۰۷-۱۳۰.
- Abidin, S. & Ahmad-Zaluki, N.A. (2012). Auditor Industry Specialism and Reporting Timeliness. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 65(3), P.873-878.
- Afify, H.A.E. (2009). Determinants of Audit Report Lag: Does Implementing Corporate Governance Have any Impact? Empirical Evidence from Egypt. *Journal of Applied Accounting Research*, 10(1), P.56-86.
- Alford, A.W., Jones, J.J. & Zmijewski, M.E. (1994). Extensions and Violations of the Statutory SEC Form 10-K Filing Requirements. *Journal of Accounting and Economics*, 17(1-2), P.229-254.
- Alkhatib, K. & Marji, Q. (2012). Audit Reports Timeliness: Empirical Evidence from Jordan. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 62, P.1342-1349.
- Andreou, C., Andreou, C.A. & Lambertides, N. (2021). Financial Distress Risk and Stock Price Crashes. *Journal of Corporate Finance*, 67(C), P.101870.
- Ashton, R.H., Willingham, P.R. & Elliot, R.K. (1987). An Empirical Analysis of Audit Delay. *Journal of Accounting Research*, 2(2), P.275-292.
- Asthana, S. (2014). Abnormal Audit Delays, Earnings Quality and Firm Value in the USA. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(1), P.21-44.
- Baatwah, S.R., Salleh, Z. & Stewart, J. (2019). Audit Committee Chair Accounting Expertise and Audit Report Timeliness: The Moderating Effect of Chair Characteristics. *Asian Review of Accounting*, 27(2), P.273-306
- Bamber, E.M., Bamber, L.S. & Schoderbek, M.P. (1993). Audit Structure and other Determinants of Audit Report Lag: An Empirical Analysis. *Auditing: A Journal of Practice Theory*, 1(1), P.1-23.
- Bartov, E. & Konchitchki, Y. (2017). SEC Filings, Regulatory Deadlines, and Capital Market Consequences. *Accounting Horizons*, 31(4), P.109-131.
- Bartov, E., DeFond, M. & Konchitchki, Y. (2011). *SEC Filings, Regulatory Deadlines, and Capital Market Consequences*. Working Paper, New York University Law and Economics.

- Beattie, V.A., Fearnley, S. & Brandt, R.T. (2001). *Behind Closed Doors: What Company Audit is Really about*. London: Palgrave Macmillan.
- Beattie, V.A., Hines, T. & Fearnley, S. (2011). *Reaching Key Financial Reporting Decisions – How Directors and Auditors Interact*. John Wiley & Sons, Chichester.
- Bhuiyan, M.B.U. & D'Costa, M. (2020). Audit Committee Ownership and Audit Report Lag: Evidence from Australia. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(1), P.96-125
- Blankley, A.I., Hurr, D.N. & MacGregor, J.E. (2014). The Relationship between Audit Report Lags and Future Restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), P.27-57.
- Bryant-Kutcher, L., Peng, E.Y. & Weber, D.P. (2013). Regulating the Timing of Disclosure: Insights from the Acceleration of 10-K Filing Deadlines. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(6), P.475-494.
- Callen, J.L. & Fang, X. (2015). Short Interest and Stock Price Crash risk. *Journal of Banking & Finance*, 60(C), P.181-194.
- Campbell, J.Y., & Hentschel, L. (1992). No News is Good News: An Asymmetric Model of Changing Volatility in Stock Returns. *Journal of Financial Economics*, 31(3), P.281-318.
- Carslaw, C.A.P.N. & Kaplan, S.E. (1991). An Examination of Audit Delay: Further Evidence from New Zealand. *Accounting & Business Research*, 22(85), P.21-32.
- Chambers, A.E. & Penman, S.H. (1984). Timeliness of Corporate Reporting and Stock Price Reaction to Earning Announcements. *Journal of Accounting Research*, 22(1), P.21-47.
- Chan, K.H., Luo, V.W., & Mo, P.L.L. (2016). Determinants and Implications of Long Audit Reporting Lags: Evidence from China. *Accounting and Business Research*, 46(2), P.145-66.
- Chen, J., Hong, H. & Stein, J.C. (2001). Forecasting Crashes, Trading Volume, Past Returns, and Conditional Skewness in Stock Prices. *Journal of Financial Economics*, 61(3), P.345-381.
- Cui, X., Sun, M., Sensoy, A., Wang, P., & Wang, Y. (2022). Top Executives' Great Famine Experience and Stock Price Crash Risk. *Research in International Business and Finance*, 59(C), P.101564.
- DeAngelo, L.E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting & Economics*, 3(3), P.183-199.
- Durand, G. (2019). The Determinants of Audit Report Lag: A Meta-Analysis. *Managerial Auditing Journal*, 34(1), P.44-75.
- Dyer, J.C. & McHugh, A.J. (1975). The Timeliness of the Australian Annual Report. *Journal of Accounting Research*, 13(2), P.204-219.
- Fan, Y., Zhou, F., An, Y. & Yang, J. (2021). Investor Sentiment and Stock Price Crash Risk: Evidence from China. *Global Economic Review*, 50(4), P.310-339
- French, K.R., Schwert, G.W. & Stambaugh, R.F. (1987). Expected Stock Returns and Volatility. *Journal of Financial Economics*, 19(1), P.3-29.
- Givoly, D. & Palmon, D. (1982). Timeliness of Annual Earnings Announcements: Some 245 Empirical Evidence. *The Accounting Review*, 57(3), P.486-508.
- Habib, A. & Huang, H.J. (2019). Abnormally Long Audit Report Lag and Future Stock Price Crash Risk: Evidence from China. *International Journal of Managerial Finance*, 15(4), 611-635.

- Habib, A., Bhuiyan, M.B.U., Huang, H.J. & Miah, M.S. (2019). Determinants of Audit Report Lag: A Meta-Analysis. *International Journal of Auditing*, 23(1), P.20- 44.
- Hakansson, N.H. (1977). Interim Disclosure and Public Forecasts: An Economic Analysis and a Framework for Choice. *The Accounting Review*, 52(2), P.396-416.
- Hay, D., Knechel, W.R. & Wong, N. (2006). Audit fees: A Meta-Analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), P.141-191.
- Hong, H. & Stein, J. (2003). Differences of Opinion, Short-Sales Constraints and Market Crashes. *Review of Financial Studies*, 16(2), P.487-525.
- Hu, G., Liu, Y., Wang, J.W., Zhou, G. & Zhu, X. (2022). Insider Ownership and Stock Price Crash Risk around the Globe. *Pacific-Basin Finance Journal*, 72(C), P.101714.
- Hutton, A.P., Marcus, A.J. & Tehranian, H. (2009). Opaque Financial Reports, R2, and Crash Risk. *Journal of Financial Economics*, 94(1), P.67-86.
- Jin, L. & Myers, C.S. (2006). R2, Around the World: New Theory and New Tests. *Journal of Financial Economics*, 79(2), P.257-292.
- Kaaroud, M., Mohd Ariffin, N. & Ahmad, M. (2020). The Extent of Audit Report Lag and Governance Mechanisms: Evidence from Islamic Banking Institutions in Malaysia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(1), P.70-89.
- Khoufi, N. & Khoufi, W. (2018). An Empirical Examination of the Determinants of Audit Report Delay in France. *Managerial Auditing Journal*, 33(8-9), P.700-714.
- Kim, J.-B. & Zhang, L. (2014). Financial Reporting Opacity and Expected Crash Risk: Evidence from Implied Volatility Smirks. *Contemporary Accounting Research*, 31(3), P.851-875.
- Kim, J.-B. & Zhang, L. (2016). Accounting Conservatism and Stock Price Crash Risk: Firm-level Evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), P.412-441.
- Knechel, W.R. & Sharma, D.S. (2012). Auditor-Provided Non-Audit Services and Audit Effectiveness and Efficiency: Evidence from Pre- and Post-SOX Audit Report Lags. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(4), P.85-114.
- Knechel, W.R., & Payne, J.L. (2001). Additional Evidence on Audit Report Lag. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(1), P.137-146.
- Knechel, W.R., Rouse, P. & Schelleman, C. (2009). A Modified Audit Production Framework: Evaluating the Relative Efficiency of Audit Engagements. *The Accounting Review*, 84(5), P.1607-1638.
- Knechel, W.R., Sharma, D.S. & Sharma, V. (2012). Non-Audit Services and Knowledge Spillovers: Evidence from New Zealand. *Journal of Business Finance & Accounting*, 39(1-2), P.60-81.
- Kothari, S.P., Shu, S. & Wysocki, P.D. (2009). Do Managers Withhold Bad News? *Journal of Accounting Research*, 47(1), P.241-276.
- Krishnan, J. & Yang, J.S. (2009). Recent Trends in Audit Report and Earnings Announcement Lags. *Accounting Horizons*, 23(3), P.265-288.
- Kross, W. & Schroeder, D.A. (1984). An Empirical Investigation of the Effect of Quarterly Earnings Announcement on Stock Returns. *Journal of Accounting Research*, 22(1), P.153-176.
- Kross, W. (1982). Profitability, Earnings Announcement Time Lags, and Stock Prices. *Journal of Business Finance & Accounting*, 9(3), P.313-328.

- Li, E. & Ramesh, K. (2009). Market Reaction Surrounding the Filing of Periodic SEC Reports. *The Accounting Review*, 84(4), P.1171-1208.
- Lu, S., Xuan, Y. & Zhang, L. (2020). Do Abnormal Audit Report Lags Signal Impending Stock Price Crash? *China Accounting and Finance Review*, 22(4), P.79-107.
- Mitra, S., Song, H. & Yang, J.S. (2015). The Effect of Auditing Standard No. 5 on Audit Report Lags. *Accounting Horizons*, 29(3), P.507-527.
- Owusu-Ansah, S. (2000). Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital Markets: Empirical Evidence from the Zimbabwe Stock Exchange, 30(3), P.241-254. *Accounting and Business Research*, 30(3). DOI: 10.2139/ssrn.215929
- Salterio, S.E. (2012). Fifteen years in the trenches: Auditor-Client Negotiations Exposed and Explored. *Accounting & Finance*, 52(S1), P.233-286.
- Sultana, N., Singh, H. & Zahn, J.W.M (2015). Audit Committee Characteristics and Audit Report Lag. *International Journal of Auditing*, 19(2), P.72-87.
- Tanyi, P., Raghunandan, K. & Barua, A. (2010). Audit Report Lags after Voluntary and Involuntary Auditor Changes. *Accounting Horizons*, 24(4), P.671-688.
- Türel, A. (2010). Timeliness of Financial Reporting in Emerging Capital Markets: Evidence from Turkey. *Journal of the School of Business Administration*, 39(2), P.227-240.
- Uthman, B.O., Ajadi, T. & Asipita, J.J. (2018). Effect of Board Characteristics on Timeliness of Financial Reporting of Listed Insurance Firms in Nigeria. *Online Journal of Arts, Management and Social Sciences*, 3(1), P.2276-9013.
- Wang, B., Ho, K.-C., Liu, X. & Gu, Y. (2022). Industry Cash Flow Volatility and Stock Price Crash Risk. *Managerial and Decision Economics*, 43(2), P.356-371.
- Wang, L., Dai, Y., Zhang, Y. & Ding, Y. (2020). Auditor Gender and Stock Price Crash Risk: Evidence from China. *Applied Economics*, 52(55), P.5995-6008.
- Whitworth, J.D. & Lambert, T.A. (2014). Office-Level Characteristics of the Big 4 and Audit Report Timeliness. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(3), P.129-152.